

اصلاح شورای امنیت
تطبيق منشور ملل متحد با واقعیات جدید
پس از دوره جنگ سرد

تاپیو کانینن، ارکی کورولا
Erkki Kourula, Tapio Kanninen
مترجم: دکتر نادر ذوالعین

اشاره

مسأله بازنگری منشور سازمان ملل متحد بطورکلی، و اصلاح مقررات راجع به شورای امنیت بطور خاص جهان را در مقابل مرحله پر اهمیتی قرار داده است. دگرگونی‌های سیاسی اخیر که تأثیر قابل ملاحظه‌ای در روابط بین‌المللی گذاشته‌اند، تحولاتی را در نظام حقوقی بین‌المللی ایجاد می‌کند. معیارهایی که عمدتاً پس از پایان جنگ جهانی دوم برای تنظیم روابط بین‌المللی در نظر گرفته شده دیگر امروزه با واقعیات تطبیق چندانی نداشته و جوابگوی نیازهای جامعه بین‌المللی نیست.

منشور ملل متحد، یکی از مهمترین اسناد حقوقی بین‌المللی است، و از آنجا

که تقریباً تمامی دولتها عضو آن می‌باشند، می‌توان آن را نوعی خاص از یک قانون اساسی جامعه بین‌المللی تلقی نمود. با این وصف، طبیعی است که انتظارات نخست متوجه آن گردد.

این مسأله که بحث زیادی را در محافل بین‌المللی برانگیخته منجر به آغاز روند مذاکراتی گردیده که گرچه هنوز نتایج ملموسی بدست نیامده ولیکن دستکم مواضع دولتها را تا حدودی در این‌باره روشن ساخته است.

مقاله ذیل، سعی دارد جریان و نحوه مذاکرات را از آغاز تاکنون شرح داده و مسائل مهمی که در این زمینه مطرح شده یا باید مدنظر قرار گیرد را مورد بحث قرار می‌دهد. نویسندگان مقاله در این جریان‌ات به نحوی سهم بوده و سعی می‌دارند در پرتو تجربه شخصی خود، گذشته و همچنین چشم‌اندازهای این مذاکرات را منعکس نمایند.

نویسندگان این مقاله هر دو فنلاندی هستند. دکتر ارکی‌کورولا Erkki kourula سفیر اسبق و معاون مدیرکل امور حقوقی وزارت خارجه فنلاند است و در مقام رئیس «کمیته

ویژه درباره منشور ملل متحد و تحکیم نقش سازمان» خدمت کرده است.

دکتر تاپیو کانینن Tapio kannine، در بخش امور سیاسی دبیرخانه سازمان ملل در نیویورک اشتغال دارد و به‌عنوان دبیر گروه کار نامحدود درباره مسأله نمایندگی عادلانه و افزایش اعضای شورای امنیت از زمان تأسیس آن خدمت کرده است.

لازم به تذکر است که نظرات ابراز شده از سوی نامبردگان در این مقاله نظر شخصی آنها می‌باشد و لزوماً موضع دولت فنلاند و یا سازمان ملل را منعکس نمی‌نماید.

مترجم

افزایش اعضای شورای امنیت در حال حاضر بطور جدی موضوع بحث جامعه بین‌المللی می‌باشد. در صورتی که در مذاکراتی که اکنون در جریان است توافقی حاصل گردد، منشور ملل متحد به احتمال زیاد اصلاح می‌شود. همزمان، تعدادی از اصلاحات اساسی ممکن، که آنها نیز مستلزم اصلاحاتی در منشور می‌باشند، در محافل متعدد مورد بحث قرار گرفته است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا منشور می‌تواند یا می‌باید فقط یکبار طی نسل ما، یا چندین بار ظرف دوره چند ساله اصلاح گردد؟

این مقاله در ابتدا رویه و ساختار مذاکرات جاری درخصوص اصلاح شورای امنیت را به‌عنوان مثالی روشن از یک روند اصلاح، توصیف می‌کند. این مسأله در زمان حال دارای با ثبات‌ترین دستگاه مذاکراتی در میان اصلاحات متعددی است که در ملل متحد مد نظر می‌باشد. ثانیاً، سناریوهایی که چگونه منشور ملل متحد می‌تواند، در

نتیجه این روند با سایر روندهای مذاکره که بطور فعال توسط جامعه بین‌الملل دنبال می‌شود، اصلاح گردد را مطرح می‌سازد. ملاحظاتی که ارائه می‌گردد، از بحث‌های غیر رسمی نویسندگان با نمایندگان متعدد و دیگر کارشناسان در طول مدت شرکت‌آنها در کار اصلاح سازمان ملل متحد ناشی می‌شود. باید تأکید کرد که تنها تشریفات صوری نیست که مانع اصلاح منشور می‌شود. میزان قابل ملاحظه‌ای از کارها را باید به عقاید استراتژیکی و همچنین تاکتیکی لازم در روند اصلاح اختصاص داد.

اگرچه نویسندگان توجه خاصی به یک جنبه از روند اصلاح منشور ملل متحد نشان داده‌اند یعنی روند مذاکره مربوط به اصلاح شورای امنیت - روندها و عوامل دیگری نیز وجود دارند که باید به حساب آیند. این مقاله بر ماهیت قابل فهم تمامی روند اصلاح منشور تأکید می‌نماید. این امر باید بخوبی درک گردد که آرزوی صادقانه و اراده سیاسی از سوی جامعه بین‌المللی وجود دارد که با موفقیت منشور ملل متحد را، که قانون اساسی

چارچوب حقوق و روابط بین‌الملل است،
تغییر دهد و آن را با واقعیات دوره پس
از جنگ سرد منطبق سازد.

۲

سابقه اصلاح شورای امنیت

مسأله نمایندگی عادلانه در شورای
امنیت و افزایش اعضای آن، نخست به‌عنوان
موضوع بحث در مجمع عمومی در سال ۱۹۷۹
مطرح گردید. مبتکران اصلی پیشنهاد آغاز
روند مذاکره در مجمع (نمایندگان
الجزایر، آرژانتین، بنگلادش، یونان،
گویانا، هند، مالدیو، نپال، نیجریه و
سریلانکا)، ابتکار عمل مشترک خود را این
گونه توجیه کردند که تعداد نمایندگان
کشورهای غیرمتعهد و توسعه نیافته در
یکی از ارکان عمده سازمان ملل بطور
وضوح کافی^۱ نمی‌باشد. از دیدگاه آنان،
نظر به اینکه تعداد اعضای جدید سازمان
ملل از سال ۱۹۶۵، سالی که اعضای شورا
از یازده به پانزده افزایش یافت، بطور

۱. رجوع شود به: UN Doc. A/34/246 (1979)

2. Id.

چشمگیری افزایش یافته، شورای امنیت آشکارا نماینده همه اعضا نیست.

مع ذلك، این موضوع هنوز برای مذاکرات و اقدام جدی آماده نبود. فقط در اجلاس ۱۹۷۹، مجمع عمومی تصمیم گرفت مسأله را در دستور جلسه موقت اجلاس بعدی خود بگنجاند و طرح قطعنامه پیشنهادی و سایر مذاکرات توضیحی را به آن اجلاس ارسال داشت. رویه مشابهی هر ساله تا سال ۱۹۹۲ دنبال شد.

پایان جنگ سرد، تمایل ژاپن و آلمان برای عهده دار شدن مسئولیت بیشتر در صحنه بین‌المللی، و رضایت پنج عضو دائم شورای امنیت برای مدنظر قرار دادن مجدد مسأله گسترش، این امکان را فراهم ساخت که در سال ۱۹۹۲ حرکتی بسوی مرحله پیش مذاکره انجام شود. آغاز روند مذاکره هنوز آهسته بود.

مجمع عمومی در چهل و هفتمین اجلاس از دولتهای عضو دعوت کرد که نظرات کتبی خود را درباره تجدید نظر احتمالی عضویت در شورا ارسال نمایند. براساس آن، دبیرکل در چهل و هشتمین اجلاس مجمع گزارشی شامل تألیف نظرات ابراز شده

دولتهای عضو در این موضوع را ارائه داد.^۳

حجم مسائل مربوط به مذاکره در این مرحله بوضوح نمایان گردید. در حالی که اصلاح منشور در سال ۱۹۶۵ فقط کرسی‌های غیردایمی را افزایش داده بود، این دفعه جریان اصلاح، افزایش تعداد اعضای دایمی شورای امنیت و مسأله حق وتو را نیز فرا می‌خواند. بنابراین، دولتهای عضو سازمان ملل منافع ملی کاملاً متفاوتی را منظور داشته و هنوز هم دارند. این وضع امور در اسناد فوق‌الذکر که مواضع اعضای ملل متحد درباره اصلاح شورا را فهرستبندی می‌کرد، کاملاً مشخص بود. تعدادی از کشورها، بویژه مدعیان اولیه برای کرسی دایمی جدید احتمالی و آن کشورهایی که شدیداً، هم به افزایش در گرو دایمی بطورکلی، و هم به انتخاب کشورهای بخصوصی برای این کرسی بطور خاص، معترض بودند، دارای منافع ملی اساسی بودند که در گروه نتایج نهایی این روند بود. حرکت بسوی مذاکرات جدی اقدام آسانی نخواهد بود، و در مجموع برقراری روند

۳. رجوع شود به: UN Doc. A/48/264 (1994).

مباحثه و مذاکره در این زمینه یکی از دشوارترین چالش‌های دیپلماسی چندجانبه می‌باشد.

۳

آغاز مذاکرات

در ماه دسامبر ۱۹۹۳، مجمع عمومی طی چهار و هشتمین اجلاس خود تصمیم گرفت یک «گروه کار آزاد»^۴ را برقرار نماید تا تمام جوانب مسأله افزایش اعضای شورای امنیت و سایر موضوعات مربوط به شورا را مورد ملاحظه قرار دهد. همچنین از گروه کار آزاد درخواست نمود، گزارشی در مورد پیشرفت کارهایش به مجمع عمومی، تا قبل از پایان اجلاس چهار و هشتم ارائه دهد و تصمیم گرفت که این موضوع در دستور جلسه موقت اجلاس چهار و نهم^۵ گنجانیده شود.

«گروه کار آزاد» (که پس از این، گروه کار خوانده خواهد شد)، درباره مسأله نمایندگی عادلانه و افزایش اعضای شورای امنیت از ماه ژانویه تا سپتامبر

4. Open – ended Working Group.

5. رجوع شود به: UN Doc. a/48/26(1993)

۱۹۹۴ بیست و دو نشست تشکیل داد. رئیس مجمع عمومی، آقای ساموئل آر. اینسانالی،^۶ ریاست گروه کار را برعهده داشت. این امر که گروه کار تحت ریاست شخصی رئیس مجمع عمومی بود نمایانگر اهمیتی است که مجمع برای این موضوع قائل بود. سفیران ویلهلم بریتسن^۷ (فنلاند) و چیوتای سو^۸ (سنگاپور) به عنوان نایب رئیس منصوب شدند.

گروه کار در نخستین گزارش خود به مجمع عمومی، مورخ ۲ سپتامبر ۱۹۹۴،^۹ در مورد گفتگوها راجع به تعداد و ترکیب افزایش احتمالی اعضای شورا، اعلام داشت که گرچه مباحثه زنده و سازنده بود و مواضع دولتهای عضو را روشن ساخت. لیکن هیچ نتیجه‌گیری به عمل نیامد. با آنکه دیدگاههای نزدیکی بر سر افزایش عضویت موجود بود، در این خصوص نیز توافق وجود داشت که چشم انداز و ماهیت چنین توسعه‌ای نیاز به مباحثه بیشتری دارد. درباره سایر موضوعات مربوط به شورای امنیت،

6. Samuel R. Insanally.

7. W. Breitenstein.

8. Cheue Tai Soo.

۹. رجوع شود به: UN. Doc. A/48/47 (1994)

اشاره گردید که شورا قدمهایی در جهت بهبود شیوه‌ها و آیین‌کاری خود برداشته است. همچنین درباره تدابیر بیشتری که شورا ممکن است بدین منظور اتخاذ نماید نظراتی ابراز گردید.

در اوایل ماه سپتامبر ۱۹۹۴، گروه کار به مباحثات خود برای چهل و هشتمین اجلاس مجمع عمومی خاتمه داد و توصیه نمود که مباحثه درباره این موضوع طی چهل و نهمین اجلاس مجمع عمومی ادامه یابد. مجمع عمومی، در ۱۴ سپتامبر ۱۹۹۴، تصمیمی را تصویب کرد مبنی بر اینکه گروه کار می‌باید:

- ۱- به کار خود ادامه دهد و نظرات ابراز شده طی اجلاس چهل و نهم را به حساب آورد؛ و
- ۲- تا قبل از پایان آن اجلاس، گزارشی را به مجمع ارائه دهد.^{۱۰}

مذاکرات در سال ۱۹۹۵

مذاکراتی که طی سال ۱۹۹۵ صورت گرفت از سال ۱۹۹۴ عمیقتر بود و پیوسته توجه زیاد رؤسای نمایندگی‌های نزد سازمان ملل را جلب می‌کرد. مجدداً رئیس مجمع عمومی در اجلاس چهل و نهم - آقای آماراسی - ریاست گروه کار را عهده‌دار شد و گروه کار آقایان ویلهلم بریتنشتاین (فنلاند) و نیتیا پیبولسنگرام (تایلند) را به‌عنوان نواب رئیس گروه کار منصوب کرد. گروه کار دربارهٔ تنظیم کارهایش بحث کرد و موافقت شد که موضوعات به دو دسته تقسیم شود: نمایندگی دولتها بطور عادلانه و افزایش اعضای شورای امنیت (دسته اول) و سایر موضوعات مربوط به شورای امنیت (دسته دوم). دو نایب رئیس یادداشتهای متعددی دربارهٔ دسته‌های اول و دوم برای استفادهٔ داخلی گروه آماده کردند.

یادداشتهای دربارهٔ دسته‌های اول و دوم به‌عنوان اسناد گروه کار، بمنظور تسهیل تبادل نظر کامل دربارهٔ مطالب مندرج در فهرست سؤالاتی که قبلاً بوسیله

دو نایب رئیس تهیه شده بود، مورد استفاده قرار گرفت. مباحثات گروه کار درباره یادداشت‌ها طی اجلاس چهل و نهم ناتمام ماند؛ لیکن تبادل نظر باعث گردید چشم‌انداز و محتوای موضوعات مطروحه روشن شود.

عمق مباحثات در طول اجلاس چهل و نهم بطور مسلم اساس مؤثری را برای کار آینده گروه کار فراهم خواهد ساخت و موجب تحرك بیشتر در مباحثات بعدی خواهد شد.

موضوعات مورد بحث در دسته اول عبارتند از: اصول راهنما برای توسعه عضویت در شورای امنیت؛ تعداد و ترکیب اعضای دایم؛ تعداد و ترکیب اعضای غیر دایم؛ دسته‌های جدید اعضا؛ عناوین اختصاص داده شده به هر یک از دسته‌بندی‌ها؛ نحوه انتخاب اعضای هر یک از دسته‌ها؛ تعداد کلی اعضای شورای امنیت پس از توسعه؛ شیوة رأی‌گیری در شورای امنیت به انضمام مسأله حق وتو؛ و مسأله تجدید نظر دوره‌ای.

موضوعات مورد بحث در دسته دوم عبارتند از: تدابیر اتخاذ شده و اعمال

مرسوم از سوی شورا بمنظور ازدیاد جنبه علنی فعالیتها و شیوه‌های کار خود و جهت بخشیدن و توسعه یا تشکیلات دادن به آنها؛ ابقاء، اصلاح یا قطعی ساختن آیین کار موقت شورا؛ دستورالعمل‌های صادره از سوی ریاست شورا؛ ازدیاد مکانیسم‌های جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات؛ مشورت گسترده‌تر با طرف‌های مربوطه یا ذی‌نفع، مشورت بیشتر میان شورا و دولتهایی که در تشکیل نیروی نظامی [تحت نظر سازمان] سهم هستند؛ و روابط شورای امنیت با سایر ارکان سازمان ملل به انضمام گزارش‌های شورای امنیت به مجمع عمومی.

مباحثات درباره دست‌های اول و دوم نشان داد که توافقی در گروه کار بر سر لزوم افزایش اعضای شورای امنیت وجود دارد. چشم‌انداز و ماهیت این افزایش و دیگر مسائل مربوط به شورای امنیت همانطور که در سال ۱۹۹۴ اتفاق افتاد، به مباحثات و مذاکرات بعدی موکول گردید که به احتمال قوی با قاطعیت بیشتری در پنجاهمین اجلاس مجمع عمومی پی‌گیری خواهد شد.

مذاکرات از نظر کلي درباره اصلاح منشور

سازمان ملل متحد، از آغاز تأسيس در سال ۱۹۴۵ بطور قابل ملاحظه اي تغيير شکل يافته، اما هنوز عملاً در منشور تغيير مهمي داده نشده است. در حقيقت فقط سه اصلاح از زمان تصويب آن در طي پنجاه سال صورت گرفته است.^{۱۱}

در اين مدت تعدادي پيشنهاد، بويژه طي سالهاي اول سازمان ملل، براي اصلاح طرح گرديد. اما خيلي زود پي برده شد، از آنجا که اصلاحيه ها بدون رضایت تمامی اعضاي دايم شوراي امنيت قابل اجرا نيست، بنابراین ارائه توصيه هايي که

۱۱. سه اصلاح به قرار زیر است؛ اعضاي شوراي اقتصادي و اجتماعي (ماده ۶۱) و شوراي امنيت (ماده ۲۳) در سال ۱۹۶۳ افزايش يافتند (که در سال ۱۹۶۵ به اجرا درآمد) و يك اصلاحيه مترادف براي ماده ۲۷ که نه رأي مثبت را براي تصويب تصميمات شوراي امنيت مقرر داشت. وقتي که مواد ۲۳ و ۲۷، در سال ۱۹۶۳ اصلاح گرديد. لزوم هفت رأي مذکور در ماده ۱۰۹ تغيير نيافت. ولي ماده ۱۰۹ در سال ۱۹۶۵ اصلاح گرديد (و در سال ۱۹۶۸ به اجرا درآمد) تا با مفاد جديد ماده ۲۷ مطابقت داشته باشد. اعضاي شوراي اقتصادي و اجتماعي مجدداً در سال ۱۹۷۱ افزايش يافت (که در سال ۱۹۷۳ به اجرا درآمد).

موافقت آنها را جلب ننماید بی‌تأثیر می‌باشد. پیشنهادهای که در «کمیته ویژه منشور ملل متحد و تحکیم نقش سازمان» مشهور به کمیته منشور ملل متحد - مطرح گردید مثال خوبی از تلاشهای اصلاحی می‌باشد. طی سالهای نخستین حیات این کمیته هیچ موضوعی جنبه تقدس نداشت و بنابراین پیشنهادات مطرح شده می‌توانست موجب تغییرات عمیقی در منشور گردد. بتدریج، در برنامه کاری کمیته ویژه تجدید نظر شد، بطوری که موضوعاتی که مستلزم اصلاح منشور نبود بطور جدی مورد بحث واقع شد و اقدامات جدیدی مانند حفاظت از صلح صورت گرفت، اما منشور همچنان بدون تغییر باقی ماند.

حتی پایان جنگ سرد تغییری در این زمینه ایجاد نکرد. این وضع ادامه داشت تا اجلاس سال ۱۹۹۵ کمیته منشور، که پس از مشورتهای دشوار، حذف «مواد مربوط به دولتهای دشمن» را از منشور ملل متحد (مواد ۵۳، ۷۷ و ۱۰۷)، در اولین اجلاس مناسب، توصیه نمود. بنابراین پیشنهاد، مجمع عمومی می‌باید قصد خود را جهت اعمال آیین مذکور در ماده ۱۰۸ منشور

برای اصلاح منشور بمنظور حذف مواد مورد نظر^{۱۲} اعلام نماید. این توصیه ممکن است مشکلاتی به بار آورد چراکه اگر تمایل کمیته منشور به کرسی نشیند، اصلاح صوری منشور دیگر لازم خواهد بود.

موضوع جدید دیگری که با اصلاح منشور ارتباط دارد سرنوشت شورای قیمومت می‌باشد. این شورا کار خود را در سال ۱۹۹۴ با پذیرش «پالائو»،^{۱۳} آخرین سرزمین تحت قیمومت، به‌عنوان عضو جدید ملل متحد، به پایان رساند.^{۱۴}

حال مسأله این است که آیا مواد منشور مربوط به شورای قیمومت باید در منشور باقی بماند، حذف گردد یا اینکه استفاده‌های دیگری از شورای قیمومت در نظر گرفته شود. علاوه بر اینها، پیشنهادهای برای اصلاح منشور در گزارش‌های متعدد اخیر که از سوی سازمانهای غیردولتی، جوامع آکادمیک و همچنین شخصیت‌های معتبر، بویژه بمناسبت پنجاهمین سالگرد سازمان ملل متحد، تهیه گردیده و درج شده است. برای نمونه،

۱۲. رجوع شود به: UN Doc A/50/33 (1995)

13. Palau.

۱۴. رجوع شود به: S/RES/965 (1994) و UN Doc.

گزارشها در کمیسیون برای نظارت کلی^{۱۵} «گروه کار مستقل درباره آینده سازمان ملل متحد»^{۱۶} شامل پیشنهادات جامعی است برای تعدادی ارگانها و فعالیتهای جدید ملل متحد که تحقیق آن مستلزم اصلاح منشور می‌باشد. هر دو گزارش شامل پیشنهاداتی در جهت اصلاح شورای امنیت است.

۶

دیدگاههای عملی جهت اصلاح منشور ملل متحد

منشور ملل متحد دو شیوه متفاوت را برای اصلاح خود عرضه می‌دارد: از طریق مجمع عمومی (ماده ۱۰۸) یا از طریق کنفرانسی بمنظور تجدیدنظر (ماده ۱۰۹). هر دو شیوه مستلزم تصویب آن از سوی دو سوم کل دولتهای عضو، از جمله کل اعضای دائم شورای امنیت می‌باشد. از نظر حقوقی، هر دو مورد، علی‌رغم تفاوت جزئی لغوی (اصلاح یا تغییر) دارای شرایط

15. Our Global Neighbourhood, the Report of Commission on Global Governance (1992).

16. The UN in its Second half – Century, the Report of the Independent Working Group on the Future of the UN (1995).

ماهوي يکسان مي‌باشند. تفاوت آنها در پشت پرده سياسي مفاد مذکور پنهان شده است. تصميم به گنجانيدن ماده ۱۰۹ که مستلزم برگزاري کنفرانسي بمنظور تجديد نظر در منشور است، براي راضي کردن دولتهايي بود که در کنفرانس سان فرانسيسکو از جاگاه خاص قدرتهاي بزرگ ناراضي بودند. بسياري از کشورها تنها با اين تصور که ظرف سالهاي اندکي در جهت رفع عناصر مورد انتقادشان، منشور بازنگري خواهد شد، منشور را پذيرفتند. در واقع، امتيازات مندرج در ماده ۱۰۹ حائز اهميت نمي‌باشند؛ زيرا اعضاي دايم شوراي امنيت حق خود را براي پيشگيري از به اجرا درآمدن اصلاحات منشور حفظ کرده اند ليکن، به نظر مي‌آيد اعضاي دايم شديداً با عقیده تجديدنظر کل منشور مخالفانند. بدین جهت، با عقیده برگزاري کنفرانسي بمنظور تجديدنظر منشور مخالفت مي‌کنند و تمايل بيشتري به آيين مقرر در ماده ۱۰۸ دارند: زيرا چنانکه معلوم است، اين ماده بر اصلاحات محدود بخصوصي متمرکز مي‌گردد.

دو راه حل اساسي موجود است تا منشور بتواند در عمل به بهترين نحو بازنگري شود. يك راه ممكن كه اعضاي ملل متحد مي‌توانند انتخاب نمايند، ادامه اصلاحات به همان روندي است كه اكنون به نظر مي‌رسد در حال پيشرفت باشد؛ يعني شيوه مورد به مورد كه هريك از اصلاحات را بطور جداگانه موضوع بحث قرار دهند.

شرح فوق درخصوص مذاكرات اصلاح شوراي امنيت، نحوه روند مذاكرات را بطور نمونه نشان داد. راه حل ديگر آن است كه نتايج پيشنهادهات براي اصلاح را بطور جامع جمع آوري کرده و فقط وقتي چندين موضوع آماده گرديد، اقدام به اصلاح منشور نمود. اين لزوماً بدان معني نيست كه تنها يك بازنگري از منشور در طول نسل فعلي به عمل خواهد آمد. اگر اصلاح شوراي امنيت را به‌عنوان نمونه در نظر بگيريم، سناريو براي راه‌حل نخست مي‌تواند به شرح ذيل باشد. گروه كاري درباره اصلاح شوراي امنيت مي‌تواند احتمالاً قطعنامه‌اي را به مجمع عمومي ارائه دهد كه اصلاح منشور را درخواست كند. همين شيوه عمل مثلاً در مورد گروه

کاري راجع به برنامه کار براي توسعه، که به شوراي اقتصادي و اجتماعي مربوط ميشود، قابل اجرا ميشود. گروه کاري جديد راجع به نظام ملل متحد، که توافق اصولي درخصوص آن در تابستان ۱۹۹۵ به عمل آمد، نیز ميتواند نهايتاً اصلاحاتي را براي منشور پيشنهاد نمايد. همانطور که قبلاً بدان اشاره گرديد، کمیته منشور ملل متحد قبلاً توصيه کرده است که «مواد مربوط به دولتهاي دشمن» در اولين اجلاس مناسب مجمع عمومي از منشور حذف گردند.

يکي از موضوعات کليدي آن است که آیا دولتهاي عضو، که احتمالاً ظرف مدت چند سال با چندين اصلاحيه منشور مواجه خواهند بود، حاضرند تعدادي بازنگري جداگانه را در منشور بپذيرند، و در نتيجه از قواي مقننه خود بخواهند آنها را يکي يکي تصويب نمايند؟ از لحاظ عملي و سياسي ميتوان انتظار داشت که در يك مقطع از زمان دولتهاي عضو پي خواهند برد که نميتوانند، يا نميخواهند، چندين مرتبه ظرف سالهاي اندکي به پارلمان خود رجوع نمايند و تغييراتي را در منشور ملل متحد، که ابزار اساسي حقوق

بین الملل می‌باشد از آنها بخواهند. این سناریو به نفع راه حل ثانوی یعنی جمع‌آوری پیشنهادات بصورت جامع است. این نیز باید درک شود که تصمیم به اصلاح شورای امنیت که شامل جنبه افزایش اعضای دائمی آن باشد، بر سایر موضوعاتی که اکنون مورد بحث می‌باشد مانند مذاکرات درباره مسائل مالی ملل متحد و میزان ارزیابی‌ها و تغییرات پیشنهادی در اعضا و ترکیب ارکان کلیدی ملل متحد، تأثیر خواهد گذاشت. بدین جهت، شاید بهتر باشد، از نظر نیل به نتیجه دلخواه، تمامی اقدامات در جهت اصلاح جمع‌آوری شوند.

با تکیه بر جمع‌آوری جامع اصلاحیه‌های منشور، اعضای ملل متحد هم با موقعیت‌ها و هم با خطراتی مواجه خواهند شد. از قرار معلوم، قانونگذاران ملی ترجیح خواهند داد بحث پیرامون این مسائل تنها یکبار در برنامه کاری‌شان قرار گیرد. ولی در عین حال، لزوم توافق اکثریت دو سوم دولتهای عضو، از جمله توافق همه اعضای دائمی شورای امنیت، برای تصویب

نهایی و همچنین برای تصویب جمع
پیشنهادات ضروری است.

وضعیت جهان پس از جنگ سرد بسرعت
تغییر می‌یابد نیز سؤالاتی اصولی نظیر
مناسبت چارچوب قانونی که پس از جنگ
جهانی دوم برای حقوق و روابط بین‌الملل
تصویب گردید را بطور روشن مطرح می‌سازد.
این چارچوب، یعنی منشور ملل متحد،
ماهیتاً از انعطاف کمی برخوردار است و
طوری مورد مذاکره قرار گرفت که به سختی
قابل اصلاح باشد و این اصلاح نیازمند
رضایت اکثریت مشخصی از دولتهای عضو اعم
از کوچک و بزرگ است. ضمناً اصلاحات منشور
مستلزم تصویب آنها در سطح ملی است و
قوة مقننه دولتها معمولاً در تصمیمات خود
از قوه مجریه محافظه کارتراند.

بعلاوه، اعطای حق وتو به اعضای دایم
شورای امنیت بر سر اصلاحات منشور نیز تا
حدی بی‌سابقه است. درست است که قوانین
اساسی ملی نیز شامل مفادی است که اصلاح
آنها را بسیار دشوار می‌سازد، لیکن آنها
به ندرت حق وتویی را به عضوی یا حزبی
به تنهایی درباره بازنگری قانونی اساسی

اعطا مي‌کنند؛ در حالي که اين مورد خاص منشور ملل متحد است. ضمن مباحثه و مذاکره درباره اصلاح منشور ملل متحد، مي‌بايد توجه خاصي براي کل صف‌آرایی عناصر سياسي و عملي مطروحه قائل گشت، که بعضي از آنها در اين مقاله مورد بحث واقع گرديد. روندی که در جريان است فرصت خوبی را مهيا مي‌سازد تا شايستگی و توانايي منشور ملل متحد، که مهمترين سند اساسي بين‌المللي است، براي پاسخگویی به هر تحول شديد و سريع ممکن در روابط بين‌الملل را مورد آزمایش قرار دهد.